گزارش

ایران هیچ‌وقت از میز مذاکره فرار نکرده است

ادامه از صفحه ۲

سخنگوی دستگاه دیپلماسی ایران در پاسخ به سؤال دیگر خبرنگار ایسنا درباره روابط ایران و عربستان پس از اعدام شش تبعه ایرانی در این کشور و خبرها درباره خروج هلدینگ عربستانی صافولا از ایران گفت: صرف اینکه تحولات هم‌زمان واقع می‌شوند، نباید به آنها تحلیل سیاسی معناداری داد؛ اینها صرفا در یک زمان اتفاق افتاده‌اند. بقائی تصریح کرد: اطلاعاتی که از سازمان سرمایه‌گذاری درباره این شرکت گرفتیم، این است که ارزی خارج نشده و انتقال سهام از یک شرکت به شرکت دیگری بوده است. این ارتباطی با موضوع کنسولی (اعدام شش ایرانی) ندارد. وی در ادامه گفت: درباره موضوع کنسولی، بخش کنسولی ما بلافاصله در همان زمانی که موضوع (اعدام شش ایرانی) منتشر شد، موضعی گرفت و سفیر عربستان به وزارت خارجه احضار و مواضع ما به صورت شفاف اعلام شد. بقائی با بیان اینکه کماکان موضوع در دست پیگیری است، گفت: درباره اعزام هیئت کنسولی، ما در حال گفت‌وگو با طرف عربستانی هستیم. قطعا ما موضوع را در چارچوب حمایت از اتباع و ارائه خدمات کنسولی پیگیری خواهیم کرد.

دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه در ژنو برگزار می‌شود

بقائی همچنین در پاسخ به سؤال دیگری در ارتباط با دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا گفت: دور جدید گفت‌وگوهای ایران و اروپا در ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه در ژنو انجام می‌شود و این ادامه گفت‌وگوهایی است که در آذرماه انجام شد. وی افزود: در جریان این گفت‌وگوها طیفی از موضوعات ازجمله مسائل منطقه‌ای، روابط دوجانبه و موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها مورد رایزنی قرار می‌گیرد و همان‌طور که پیش از این گفتم، این گفت‌وگوها ادامه روندی است که از قبل توافق شده بود و گام دیگری در ارتباط با گفت‌وگوهای ایران و اروپاست. او همچنین گفت: ما هیچ‌وقت از میز مذاکره فرار نکرده و قائل به گفت‌وگو بودیم. آقای عراقچی هم اعلام کردند که ما برای مذاکره شرافتمندانه برای رفع تحریم‌ها و برنامه هسته‌ای آمادگی داریم. اینکه به چه شکلی مذاکرات برگزار شود، تصمیم‌گیری خواهد شد.

تلاش برای گسترش روابط ایران با مصر و بحرین پیوسته ادامه دارد

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین در پاسخ به سؤال دیگری در ارتباط با آخرین وضعیت روابط ایران با بحرین و مصر و مطالب منتشرشده در یک رسانه مصری مبنی بر اینکه در جریان دیدار پزشکیان و رئیس‌جمهور مصر دو طرف توافق کردند که ظرف شش ماه آینده سفارتخانه‌های دو کشور را در تهران و قاهره بازگشایی کنند، گفت: رویکرد ایران برای گسترش روابط با همسایگان، تمام کشورهای منطقه را دربر می‌گیرد. بقائی تاکید کرد: تلاش برای گسترش روابط ایران با دو کشور مصر و بحرین پیوسته ادامه دارد و این موضوع در دستور کار دو طرف قرار دارد و امیدواریم هرچه زودتر به نتیجه برسد.

واکنش به هر روایتی ضرورت ندارد

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه رئیس دفتر بشار اسد در یک موضع‌گیری رسانه‌ای اعلام کرده که روسیه مانع ارسال کمک‌های ایران به سوریه در روزهای منتهی به سقوط بشار اسد در این کشور عربی شده است، گفت: همان‌طور که در جلسات پیشین تأکید کردم در این اوضاع طرف‌های مختلف روایت‌های خود را از این تحولات مطرح می‌کنند و ضرورتی وجود ندارد که ما نسبت به هرکدام از این روایت‌ها واکنش نشان دهیم.

رژیم صهیونیستی در عمل به تعهداتش هیچ‌وقت جدی نبوده است

وی در پاسخ به پرسش دیگری درباره تداوم نقض آتش‌بس در لبنان توسط رژیم صهیونیستی و برخی گزارش‌ها مبنی بر اینکه این رژیم قصد ندارد در موعد مقرر از جنوب لبنان خارج شود، گفت: سابقه این رژیم نشان می‌دهد در عمل به تعهدات و قول و قرارها هیچ‌وقت جدی نبوده و هر وقت فرصتی پیدا کرده نقض تعهد کرده است. سخنگوی وزارت خارجه افزود: در این موضوع طرف‌هایی که خود را ضامن آتش‌بس معرفی کردند، مسئولیت مستقیم و روشنی دارند که اجازه ندهند این رژیم آتش‌بس را به صورت مکرر نقض کند. بقائی تصریح کرد: این موارد را باید هم جهات ذی‌ربط در دولت لبنان و هم طرف‌هایی که به نوعی ذی‌مدخل و دخیل در این فرایند بودند به صورت جدی پیگیر باشند.

از همه ظرفیت‌ها برای پیگیری موضوع حقابه ایران از افغانستان استفاده می‌کنیم

وی در مورد موضوع حقابه ایران از افغانستان و سدهای جدید ایجادشده از سوی افغانستان بر روی رودخانه مرزی مشترک بین ایران و افغانستان گفت: وزارت خارجه به عنوان متولی دیپلماسی کشور موضوع تأمین حقابه‌های ایران از رودخانه‌های مرزی و مشترک را به عنوان دستور کار ثابت خود پیگیری کرده است. در مورد افغانستان و هریرود سابقه موضوع به اوایل دهه ۱۳۹۰ برمی‌گردد. اعتراضات ما ثبت شده و موضوعی است که مستمر و مداوم در دستور کار داریم. بقائی گفت: همواره گفته‌ایم که آب‌هایی که از افغانستان به سمت ایران روان بوده حقوقی را برای طرف‌های دو سوی مرز ایجاد می‌کند. موافقت‌نامه داریم و درخصوص سایر موارد بر اساس حقوق عرفی و حسن هم‌جواری انتظار داریم مقامات افغانستان موضوع را به صورت جدی مدنظر قرار دهند. وی افزود: ما در این زمینه از همه ابزارها استفاده می‌کنیم. سفارت ما فعال است و سرپرست سفارت موضوع را در دست پیگیری دارد و از همه ظرفیت‌ها برای پیگیری موضوع استفاده می‌کنیم. سخنگوی وزارت امور خارجه ایران تأکید کرد: ما از مقامات دولت سرپرستی افغانستان نیز انتظار داریم که این موضوع را به صورت جدی مدنظر داشته باشند.

سفر عراقچی به چین بسیار مهم بود

سخنگوی وزارت امور خارجه همچنین در پاسخ به سؤال یک خبرنگار چینی در ارتباط با سفر هفته گذشته عراقچی به پکن با ارائه توضیحات در ارتباط با رایزنی‌های انجام‌شده در جریان این سفر گفت: سفر به چین سفر بسیار مهم و اولین سفر دوجانبه وزیر امور خارجه ایران به خارج از منطقه بود.
وی تأکید کرد: در جریان این سفر در مورد روند اجرائی‌شدن سند جامع همکاری ۲۵ساله ایران و چین و همچنین گسترش همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های اقتصادی و تجاری رایزنی و گفت‌وگو شد.

تروریسم را توسط هرکسی و در هرجایی محکوم می‌کنیم

بقائی همچنین در پاسخ به سؤالی درباره اقدامات تروریستی اخیر در پاکستان و شهادت شیعیان در این کشور گفت: ما تروریسم را توسط هر کسی و در هر جایی محکوم می‌کنیم.

رابطه ما با عمان تاریخی و ممتاز است

این دیپلمات ارشد جمهوری اسلامی ایران همچنین در این نشست خبری در پاسخ به سؤالی درباره محتوای پیام سلطان عمان برای پزشکیان که از سوی وزیر خارجه این کشور در جریان سفر به تهران به رئیس‌جمهور ارائه شد، اظهار کرد: درباره این سفر وزیر امور خارجه در نشست مطبوعاتی مشترک با وزیر خارجه عمان توضیح دادند که این سفر متمرکز بر مباحث مرتبط با روابط دوجانبه ایران و عمان و بحث درباره تحولات منطقه بوده است. وی افزود: این موضوعی است که همیشه در گفت‌وگوهای ما با کشورهای منطقه به‌ویژه عمان با توجه به اینکه رابطه ما تاریخی و ممتاز است، مورد بحث و رایزنی قرار می‌گیرد.

پکن سیاست خود را تغییر نمی‌دهد

ادامه از صفحه ۲

به چه دلیل؟

چون در این صورت ریسک سرمایه‌گذاری و روابط تجاری با ایران کاهش پیدا خواهد کرد. اگر آمریکا شرکت‌های چینی را تحریم نکند، مطمئن باشید که سطح روابط تجاری ایران با چین رشد چشمگیری پیدا خواهد کرد. پس این علاقه‌مندی در چینی‌ها وجود دارد که به دلیل منافع خود و ارتقای مناسبات تجاری با ایران، تنش و تقابل بین تهران و واشنگتن کاهش پیدا کند. اتفاقا من بر این باورم که در دوره دوم دونالد ترامپ، چینی‌ها تلاش خواهند کرد هرچه زودتر مذاکرات بین ایران و آمریکا انجام شود و این تنش‌زدایی در دستور کار قرار بگیرد؛ یعنی اگرچه شاید روابط ایران و آمریکا به یک مناسبات متعارف دوجانبه نرسد، اما سطحی از تنش‌زدایی بین تهران و واشنگتن صورت بگیرد تا ایالات متحده دیگر کاری به روابط تجاری ایران و چین نداشته باشد و همان‌طور که گفتم، باید برای این موضوع یک برنامه‌ریزی و راهکار جدی داشته باشیم.

سفر هفتم دی‌ماه عراقچی به چین در آستانه بازگشت ترامپ چه معنایی می‌دهد؟ آیا قرار است نوعی هماهنگی بین تهران و پکن در مقابل دولت دوم ترامپ شکل بگیرد؟

خیر، برنامه‌ریزی این سفرها از ماه‌ها قبل انجام شده است و حتی پیش از انتخابات آمریکا قرار بود که آقای عراقچی سفری به چین داشته باشد، بنابراین نباید با این دیدگاه موضوع را تحلیل کرد که اکنون وزیر امور خارجه ایران با هدف هماهنگی با چینی‌ها در دوره دونالد ترامپ به پکن سفر کرده است تا پکیجی علیه ایالات متحده تعریف کند.

ولی هم‌زمانی این سفر با روی‌کار آمدن دونالد ترامپ چندان هم بی‌معنا نیست.

این هم‌زمانی کاملا اتفاقی است؛ چون همان‌طور که گفتم، برنامه‌ریزی این سفر از ماه‌ها قبل انجام شده است. ضمنا ما قبل از آن هم دیدار رؤسای جمهور ایران و چین را در کازان روسیه داشتیم. پس نمی‌توان موضوع را این‌گونه تفسیر و تحلیل کرد. البته این را هم قبول دارم که ما وضعیت حساس و بسیار ملتهب و سختی را هم تا اکتبر سال ۲۰۲۵ (مهرماه ۱۴۰۴) پیش‌رو داریم. به هر حال احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه و موضوعات دیگر هم وجود دارد. این در حالی است که چین به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، مخالف اشاعه است و همان‌طور که قبلا گفتم، سیاست چینی‌ها در قبال ایران، کاهش فشار و تنش بر تهران است. به همین دلیل اگرچه سفر اخیر آقای عراقچی به چین یک سفر کاملا مهم است، اما باید آن را طبیعی و درعین‌حال اجتناب‌ناپذیر دانست.

یعنی به باور شما چین مانند روسیه با ایران رفتار نمی‌کند؟

ما باید یک نگاه واقع‌بینانه درباره سیاست خارجی چین در قبال ایران داشته باشیم. در این زمینه نباید افراط و تفریط کرد؛ به هر حال چینی‌ها هم بحران‌ها و مشکلات خاص خود را دارند. از طرف دیگر چینی‌ها اقتضائات و اولویت‌های خاص خود را در قبال روابط با غرب دارند. به همین دلیل ما هم باید یک نگاه درست، هوشمندانه و درعین‌حال واقع‌بینانه از پکن داشته باشیم؛ یعنی باید یک سطح واقع‌بینانه از توقعات خود در قبال چین داشته باشیم. ضمن اینکه مناسبات تجاری ما با چین، حتی اگر در حدود ۵۰ میلیارد دلار باشد، آن‌قدر تعیین‌کننده نیست که انتظار داشته باشیم پکن بخواهد روابط تجاری چندین تریلیون‌دلاری خود را تحت‌الشعاع روابط با تهران قرار دهد. آن چیزی که باید به آن توجه کرد این است که روابط پکن و تهران یک عمق تاریخی و در عین حال فرهنگی دارد و در حوزه مناسبات و تحولات منطقه‌ای و جهانی هم سطحی از همسویی بین دو طرف وجود دارد و باعث شده است که اکنون ایران و چین به‌عنوان دو کشور در کنار همدیگر فضایی برای همکاری و تعامل سازنده و حسنه داشته باشند.

در فاصله چند هفته‌ای تا بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، اخبار و گزارشاتی دال بر تلاش ایران در جهت فروش نفت در بنادر چین مطرح شده است که می‌تواند فرصت مغتنمی برای پکن داشته باشد که این محموله‌ها را با بیشترین تخفیف خریداری کنند. آیا در صورت بازگشت سیاست فشار حداکثری و به صفر رساندن فروش نفت ایران، چین هم متقاضی خرید نفت ما خواهد بود؟ اتفاقا درهمین‌باره عنوان شده است عباس عراقچی برای فروش نفت ایران که در بنادر چین مثل دالیان دپو شده و در نفتکش‌های ارواح است، به چین سفر کرده بود؟

در بدترین شرایط و حتی در دوره کمپین فشار حداکثری و به‌صفررساندن فروش نفت ایران، ما نفت خود را به چین صادر کردیم و چین همیشه خریدار نفت ایران بوده است. به نظر من این موضوع ربطی هم به سفر آقای عراقچی به چین ندارد؛ چون علاوه بر چینی‌ها ما همیشه مشتری خود را برای نفت داشته‌ایم. البته این موضوع به معنای آن نیست که تحریم‌ها یا کمپین فشارهای حداکثری نتوانسته است ضربه‌ای به صنعت نفت ما بزند. ولی من به ضرس قاطع می‌گویم که ایران سناریوهای مختلفی برای فروش نفت خود به چین یا دیگر کشورها را در هر حالتی دارد. قطعا آمریکا و دیگر جریان‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کنند تمام مسیرهای تهران را برای فروش نفت به چین یا دیگر کشورها ببندند. اما به هر حال باید این را بپذیریم که نفت ایران صادر می‌شود و به فروش می‌رسد و بخش از درآمدهای کشور هم حاصل از فروش نفت است؛ چون بخشی از اولویت‌های وارداتی کشور از نهاده‌های دامی تا کود، سم، دارو و کالاهای اساسی از طریق همین فروش نفت تأمین می‌شود. ضمن اینکه نباید موضوع را فقط در صادرات نفتی با چین در نظر گرفت. ما طی سال‌های اخیر شاهد افزایش صادرات نفتی غیرنفتی با چین بوده‌ایم. در همین چند سال گذشته، چین مجوزهای وارداتی بسیاری به ایران داده است. برخلاف برخی ارزیابی‌ها، چین تنها یک کشور صادر کننده نیست، بلکه یک کشور واردکننده هم به شمار می‌رود. خاطرم هست که توانستیم با چینی‌ها مجوز صادرات میگو را تا سقف ۸۵ هزار تن داشته باشیم. در دیگر کالاهای کشاورزی و دامی هم مانند مرکبات، سیب، عسل و دیگر محصولات، مجوز صادرات به چین را هم داریم. من نمی‌خواهم در مصاحبه با «شرق»، لحن انتقادی داشته باشم. اما متأسفانه باید به این موضوع اعتراف کرد که تجربه و توان لازم برای صادرات به کشوری مانند چین را نداریم؛ چون چین یک اقتصاد گرسنه است. یعنی ظرفیت بسیار زیاد و نامحدودی برای صادرات به چین وجود دارد. در همین موضوع صادرات میگو، طرف‌های چینی به من گفته بودند که این میزان از میگو تنها کفاف یک روز بازار چین را می‌دهد. اکنون درآمد سرانه در چین بالای ۱۰ هزار دلار است. پس شما می‌توانید هر چیزی را به چین صادر کنید. من در تجربه پنج‌ساله سفارت خود در چین به این باور رسیده‌ام که اقتصاد چین تنها یک اقتصاد صادرکننده نیست، بلکه در موضوعات مختلف نیازهای وارداتی بسیار زیادی دارد که فرصت مغتنمی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا تراز تجاری غیرنفتی ما با چین را افزایش پیدا کند. بله صادرات نفت و پتروشیمی به چین کاملا قابل دفاع است، اما به همان اندازه باید به تجارت غیرنفتی با چین هم توجه کرد. ولی متأسفانه بخش خصوصی اقتصاد ایران تنها تجربه کار با کشورهای غربی و به‌خصوص اروپا را دارد.

جناب کشاورزاده در طول مصاحبه یک نگاه تقریبا خوش‌بینانه به تحولات داشتید. اما بسیاری معتقدند وضعیت منطقه‌ای و جهانی ایران بسیار پرچالش‌تر از آن است که بتوان این سطح از مناسبات در تجارت نفتی و غیرنفتی با پکن را پی گرفت؟ درگفته‌هایتان چالش‌ها و مشکلات بحران‌ها تجارت با چینی‌ها مغفول نمانده بود؟

من منکر وضعیت حساس کشور نیستم و همان‌طور که گفتم اتفاقا تا اکتبر سال جاری میلادی/ مهرماه ۱۴۰۴ ما با یک وضعیت پیچیده و در عین حال سخت مواجهیم. در کنار آن باید به تحولات منطقه‌ای خاورمیانه هم توجه کرد. اما موضوع روابط ما با چین شرایط کاملا متفاوتی را می‌طلبد. به دلیل تحریم‌ها و موضوع سویفت اکنون مناسبات بانکی و مالی ما کاملا بسته است. بنابراین اگر یک تاجر ایرانی بخواهد برای مثال در هنگ‌کنگ سرمایه‌گذاری کند یا واردات و صادراتی داشته باشد باید این را در نظر بگیرد که مناسبات مالی و بانکی هنگ‌کنگ به‌طور کلی متفاوت از چین است. یعنی در آنجا به‌طور کلی حساب ایرانی‌ها را می‌بندند. البته بخشی از آن به تحریم بازمی‌گردد، اما بخشی از آن هم ناظر به بحث FATF است.

پس حضرت عالی هم به تبعات حضور ایران در لیست سیاه FATF اذعان دارید؟

من به عنوان یک دیپلمات با گوشت و پوست و استخوان تبعات و آثار مخرب حضور ایران در لیست سیاه FATF را در چین تجربه کرده‌ام. برای همین موضوع نه‌تنها حساب تاجران و بازرگانان که حتی حساب دانشجویان ایرانی در چین را هم می‌بندند. من واقعا برایم جای تعجب و سؤال بسیار زیادی است که چرا برخی جریان‌ها و افراد در داخل اصرار دارند که ایران کماکان در لیست سیاه FATF باقی بماند. شاید منافعی برای آنها وجود داشته باشد. اما، نه به‌عنوان یک اقتصاددان یا فردی که تجربه کار مالی بانکی و پولی دارد، بلکه به‌عنوان دیپلماتی که چهار چهار دهه در عرصه سیاست خارجی فعال بوده تأکید و تصریح دارم که باید به فوریت فکری برای آن کرد. ببینید ماندن ایران در لیست سیاه FATF آن‌قدر مشکل‌زاست که نه‌تنها بانک‌های بزرگ چین بلکه حتی بانک‌های محلی هم که تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا قرار نمی‌گیرند، به خاطر FATF نمی‌توانند مناسبات مالی و پولی با ایران داشته باشد. واقع امر این است که تحریم‌ها

تأثیر جدی خود را روی شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ می‌گذارد. اما ماندن ایران در لیست سیاه FATF اساسا همه مناسبات پولی بانکی و مالی ایران را با همه بانک‌های بزرگ و کوچک همه کشورها می‌بندد. باید این را در نظر گرفت که کارگروه اقدام مالی یک سازمان بین‌المللی است و ربطی هم به آمریکا ندارد. پس اگرچه اکنون خبر خوشی مبنی بر بررسی مجدد لوایح باقی‌مانده FATF شنیده شده است، اما واقعا جا دارد به‌فوریت و به‌سرعت به این موضوع رسیدگی شود و دولت دکتر پزشکیان هرچه‌سریع‌تر به نتیجه برسد. به نظر من تا همین الان هم دیر شده است. من به‌عنوان یک دیپلمات این توقع را داشتم که این اتفاق خیلی زودتر در دستور کار قرار می‌گرفت. من قصد توهین به هیچ‌کس را ندارم، اما تعیین تکلیف لوایح باقی‌مانده FATF به شجاعت نیاز دارد. اینکه منتظر باشیم ببینیم موضوع مذاکرات با آمریکا و لغو تحریم‌ها به کجا می‌رسد و بعد به FATF رسیدگی کنیم، کاملا اشتباه است. چون موضوع مذاکرات لغو تحریم‌ها کاملا زمان‌بر و پیچیده است. اما ما می‌توانیم گام‌های لازم برای خروج از لیست سیاه FATF را اجرائی کنیم.

برخلاف آنچه عنوان شد، در جنگ کریدورها علیه ایران، چین هم نقش‌آفرینی خود را دارد و برخلاف کلان‌پروژه یک کمربند- یک جاده اکنون پکن هم در حال دورزدن تهران است؟

این موضوع ارتباطی به چینی‌ها ندارد؛ چون همان‌طور که گفتم باید یک نگاه واقع‌بینانه از توقعات خود در قبال چین داشته باشیم. مشکل ما اکنون مشکل زیرساخت است. من بارها در تعاملاتی که با چینی‌ها داشتم این انتقاد را مطرح کردند که انتقال کالا از طریق ایران به اروپا بسیار زمان‌بر است؛ چون زیرساخت‌های لازم وجود ندارد. در حالی که چین می‌تواند از طریق دریای خزر و جمهوری آذربایجان و گرجستان، آن را سریع به اروپا منتقل کند. من تأکید می‌کنم که باید روی ترانسپورتر ترکیبی، برنامه جدی داشته باشیم؛ چون مناطق دریایی و آبراه‌ها همیشه در مخاطره است؛ یعنی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان همیشه در خطر هستند و با هرگونه درگیری در این مناطق ممکن است سیستم نقل و انتقال کالا دچار تهدید شود. بنابراین باید به موازات آن، سیستم نقل و انتقال زمینی افزایش پیدا کند. اگر من جای وزیر راه بودم یک برنامه منسجم برای گسترش مسیرهای مواصلاتی و ریلی و جاده‌ای را در دستور کار قرار می‌دادم تا این کانال نقل و انتقال از آسیای میانه به چین وصل شود. باید اذعان داشت که ناوگان ریلی و زمینی ما ضعیف است. بله شاید تأسیس ناوگان ریلی زمان‌بر باشد، اما می‌توانیم یک جاده مواصلاتی ارتباطی را به‌سرعت اجرائی کنیم که ایران را از آسیای مرکزی به چین وصل کند و من امیدوارم که به این گفته من توجه بشود.

یعنی چین به دنبال تقابل و رقابت بندر گوادر پاکستان با بندر چابهار نیست؟

روابط چین و پاکستان و اساسا اقتضائات مربوط به بندر گوادر کاملا متفاوت از بندر چابهار است. در صورتی که ما می‌توانیم علاوه بر بندر چابهار روی سواحل مکران و دیگر بنادر هم تمرکز کنیم. برای مثال شما به بندر ماکائو نگاه کنید که اکنون درآمد سرانه آن بالای ۳۸ هزار دلار است. یک جزیره کوچک چه کمک بزرگی به اقتصاد و تجارت چین می‌کند. کمااینکه هنگ‌کنگ همین نقش را ایفا می‌کند. اما ما نتوانستیم از ظرفیت بنادر و آبراه‌های خود به درستی استفاده کنیم. همچنان که برای قشم، کیش و دیگر جزایر هم نتوانستیم چنین نقشی را تعریف کنیم. شاید به این گفته من انتقاد شود، اما می‌توانیم در برخی از همین جزایر ایران یک سیستم مالی کاملا مستقل را پیگیری کنیم و ببینیم که چه آثار و نتایج مثبتی برای اقتصاد کشور به دنبال دارد.

استقلال مالی به شائبه استقلال سرزمینی دامن نمی‌زند؟

ببینید همین چین روی حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی خود کاملا جدی است، اما در عین حال برای پیشرفت روابط تجاری خود مناطقی مانند ماکائو، هنگ‌کنگ و... را تعریف می‌کند که بتوانند با سیستم‌های مالی و اقتصادی دنیا روابط خود را داشته باشند. متأسفانه مناطق آزاد ایران صرفا برای فرار مالیات تعریف شده است. در صورتی که این مناطق می‌توانند محل تزریق سرمایه به ایران باشند. مشکل اصلی ما عدم جذب سرمایه خارجی است و این اعداد و ارقامی هم که مقامات مطرح می‌کنند به نظر من نزدیک به واقعیت نیست. لذا باید اولویت خود را روی جذب سرمایه خارجی بگذاریم. با این وضعیت تحریم و FATF هم باید به فوریت کاری برای جذب سرمایه خارجی کنیم. واقعا این مناطق آزاد با یک سیستم مالی مستقل می‌توانند به فوریت شرایط کشور را تغییر دهند. باید فضا را فراهم کنیم تا خود سرمایه‌گذار به فکر سرمایه‌گذاری در ایران باشد. ما نمی‌توانیم این توجیه را داشته باشیم که چینی‌ها بندر گوادر را در برابر بندر چابهار قرار داده‌اند. ما باید این انتقاد را به داخل داشته باشیم که یک سیستم بوروکراتیک فرسایشی و عدم زیرساخت لازم باعث شده است که چین اکنون بخواهد از مسیرهای دیگری به فکر نقل و انتقال کالا و تجارت خود با اروپا و دیگر مناطق باشد.

در این میان برنامه توافق ۲۵ ساله ایران و چین می‌تواند کمکی به برون‌رفت از این شرایط کند؟

درست در شرایطی که غربی‌ها تأکید داشتند اقتصاد ایران با تحریم‌ها در حال فروپاشی است، کشور مهمی مانند چین توافق ۲۵ ساله راهبردی را با ایران امضا کرد. هرچند که من انتقاداتی دارم...

انتقاد از چه بابتی؟

ما سال‌ها روی این توافق زحمت کشیدیم و قرار نبود مفاد و جزئیات آن به سطح محافل رسانه‌ای کشیده شود که معاندین بخواهند روی آن مانور بدهند. ولی ما با دست خودمان مفاد آن را منتشر کردیم. یعنی سخنگوی وقت دولت بخشی از این مفاد را منتشر کرد که چینی‌ها هم از ما انتقاد داشتند. ما حتی برنامه‌های سه‌جانبه منطقه‌ای هم داشتیم که باز هم مورد اعتراض و انتقاد قرار گرفت.

یعنی نباید این مفاد منتشر می‌شد؟ پس موضوع تنویر افکار عمومی چه می‌شود؟

اصلا دلیلی ندارد که این مفاد به شکل جزئی منتشر شود، آن هم در شرایطی که ما در یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی، تجاری و امنیتی قرار داریم. یعنی کوچک‌ترین اطلاعاتی از قرارداد ۲۵ساله به‌سرعت روی میز وزارت خزانه‌داری آمریکا و اوفک قرار می‌گیرد تا آن را به لیست تحریم‌ها اضافه کنند. من نمی‌خواهم موضوع را توجیه کنم اما باید بپذیریم که کشور ما در یک شرایط ویژه و حساس قرار دارد. مثلا ما با یک شرکت چینی قراردادی را امضا می‌کنیم، بعد برخی جریان‌ها یا نمایندگان مجلس از آن اطلاع پیدا می‌کنند و مصاحبه‌ای در آن زمینه خواهند داشت که به فوریت، آمریکا تحریم‌هایی را دراین‌باره وضع می‌کند و کل قرارداد بی‌ارزش می‌شود. خب با چه منطقی می‌توان این وضع را توجیه کرد؟ بله، ما اگر در یک وضعیت عادی قرار داشتیم، می‌توانستیم در این خصوص اطلاع‌رسانی لازم را به رسانه‌ها و افکار عمومی بکنیم. اما وضعیت ما جنگی است. اتفاقا بسیاری از تحریم‌های شرکت‌های چینی به واسطه اطلاعاتی بود که از مصاحبه رسانه‌های داخلی ایران درز پیدا کرد که همواره مورد انتقاد و اعتراض چینی‌ها بود. مثلا یک شرکتی با بخش خصوصی ما قراردادی را امضا می‌کرد، اما مفاد این قرارداد رسانه‌ای می‌شد و آمریکا شرکت چینی را با آدرس دقیق و کروکی، تحریم می‌کرد. در این خصوص موارد بسیار زیادی دارم و به همین دلیل چینی‌ها به ما اعتماد ندارند. اطلاع‌رسانی، شفاف‌سازی و تنویر افکار عمومی در وضعیت عادی است، نه در شرایط جنگی.

در میان حرف‌هایتان نکته بسیار مهمی وجود داشت. آیا در بحبوحه کمپین فشار حداکثری دولت اول ترامپ و به صفر رساندن فروش نفت ایران و صرفا با هدف موازنه سیاسی و دیپلماتیک بود که محمدجواد ظریف و حسن روحانی به فکر امضای توافق ۲۵ ساله بودند و با این تعجیل، پختگی لازم درخصوص مفاد توافق انجام نشد؟

اولا این را بگویم که من آدم جناحی و سیاسی نیستم و در تمام دولت‌ها هم سفیر بوده‌ام. لذا هیچ قرائت مغرضانه سیاسی ندارم و معتقدم که آقای دکتر ظریف در جریان قرارداد ۲۵ ساله زحمات بسیار زیادی کشید و باید انصاف را دراین‌باره رعایت کرد. در نهایت با تلاش‌های آقای دکتر ظریف این توافق در اکتبر سال ۲۰۲۲ با آقای وانگ یی، وزیر امور خارجه چین امضا شد و اتفاقا ایشان از همان دوره برجام احترام بسیار زیادی برای دکتر ظریف قائل هستند. متأسفانه در همان برهه سخنگوی وقت دولت مفاد این توافق را به هر دلیلی رسانه‌ای کرد که لطمه بسیار زیادی به توافق ۲۵ ساله زد.

به دنبال حمایت یا توجیه سخنگوی وقت دولت روحانی نیستم. اما در آن زمان انتقادات بسیار زیادی مطرح شد با ادعاهایی نظیر اینکه با توافق ۲۵ ساله احتمال حضور سربازان چینی در ایران وجود دارد و حتی بخشی از خاک ایران به چین واگذار شده است؟

این ادعاها خنده‌دار بود و بیشتر هم با مانور رسانه‌های معاند انجام شد. اما موضوع اینجاست که نباید یک سیاست‌مدار و دیپلمات فریب این‌دست مواضع را بخورد و در زمین دشمن بازی کند. اگر خاطرتان باشد در همان موضوع کرونا، چه تبلیغاتی علیه واکسن چینی مطرح شد. اما کشورهای پیرامونی ما مانند امارات از همین واکسن چینی استفاده کردند. اکنون در عربستان حدود ۷۰۰ معلم چینی در حال تدریس زبان چینی هستند. اما اگر چنین کاری در ایران انجام شود، چه تبلیغات وسیعی از طریق رسانه‌های معاند علیه آن صورت می‌گیرد و ادعا می‌کنند فرهنگ و تاریخ و تمدن ایران به چین فروخته شد. پس مجموعه هدایت‌شده سیاسی و رسانه‌ای معاند در حال کار است. منتها نباید یک سیاست‌مدار و یک دولتمرد و مقام و مسئول جمهوری اسلامی ایران فریب آن را بخورد.

در مصاحبه‌ای منکر تله چینی شده بودید، اما به شکل مشخص این را هم روشن کنیم که آیا چیزی به اسم تله چینی وجود دارد؟

این هم بخشی از همان جریان‌سازی رسانه معاندین است. چین تخصص اصلی من است و من سال‌ها در آنجا کار کرده‌ام. ببینید چیزی به اسم تله چینی وجود ندارد. ما باید بپذیریم که یک جنگ رسانه‌ای در حال جریان است و متأسفانه چین هم قدرت چندان زیادی در این جنگ رسانه‌ای ندارد و جریان اصلی در دست رسانه‌های غربی‌ها و به‌خصوص آمریکاست. آمریکا در حال یک تصویرسازی از چین در همه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، تجاری، نظامی و امنیتی است. اما من می‌خواهم از کسانی که به تله چینی دامن می‌زنند، این سؤال را بپرسم که چه تله‌ای برای ایران از طریق چین وجود دارد؟ خیر، من به چنین چیزی اعتقاد ندارم و تمام قراردادهایی که ما با طرف چینی امضا کرده‌ایم، کاملا حساب‌شده است.

منکر نقشه چین و تله چینی در اتفاقاتی مانند سقوط دولت سریلانکا هستید؟

من منکر تأثیر برخی روابط تجاری چین در معادلات کشورهایی مانند سریلانکا نیستم. اما این به معنای تله چینی نیست. دوم اینکه مگر آمریکا و دیگر کشورها هم چنین روابطی را ندارند! حالا اینکه تصور کنیم چین در سریلانکا کاری انجام داده است که به سقوط حکومت یا دولت منجر شد و بخواهد چنین اقدامی را هم در ایران انجام بدهد، خیر، ایران به‌هیچ‌وجه سریلانکا یا هیچ کشور دیگری نیست. ما با هوشمندی، دقت و در عین حال جدیت، قراردادهای خود را با چینی‌ها پیگیری کرده‌ایم و خطری متوجه ما نیست.

با آغاز به کار دولت ترامپ اگر مناسبات کشورهای حاشیه خلیج فارس با واشنگتن ارتقا پیدا کند و به همان میزان موضوع جزایر سه‌گانه دوباره محل بحث قرار گیرد، پکن طبق همان بیانیه‌ای که در سفر شی جین‌پینگ به ریاض داشت، چه نگاهی به تمامیت ارضی ایران دارد؟

ابتدا به ساکن بگویم که موضوع نگاه چین به منطقه پیرامونی ایران یک نگاه تنش‌زدایانه است و پکن تمایلی ندارد که درگیری یا ناامنی در این منطقه شکل بگیرد؛ چون چین سعی دارد سطح روابط تجاری خود را با همه مناطق افزایش دهد. از طرف دیگر علی‌رغم آن بیانیه در قبال موضوع جزایر سه‌گانه ایران، چینی‌ها همواره به تمامیت ارضی ما احترام گذاشتند و ما هم چنین نگاهی به تمامیت ارضی چین داریم. در صورتی که شما مشاهده کردید برخی کشورهای اروپایی از لفظ اشغالگری ایران در جزایر سه‌گانه استفاده کردند. ولی در پاسخ مشخص به سؤال شما به نظر من این موضوع بیش از آنکه به آمریکا، چین و دیگر کشورها ارتباط داشته باشد به نوع روابط ایران و امارات متحده مربوط است. یعنی تهران باید به شکل دوجانبه و ویژه روی اختلاف‌نظرها بر سر جزایر سه‌گانه با ابوظبی به نتیجه برسد.

سازمان انتقال خون ایران

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۱۴۰۳/۱۱۸۳۰
واگذاری خدمات نگهداری و پشتیبانی شبکه و اتاق سرور و امنیت

سازمان انتقال خون ایران در نظر دارد مناقصه‌ای دو مرحله ای برای واگذاری خدمات نگهداری و پشتیبانی شبکه و اتاق سرور و امنیت به شماره ۲۰۰۳۰۰۳۰۰۰۰۰۰۰۱۶ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۸
- مهلت دریافت اسناد مناقصه: مورخ ۱۴۰۳/۱۰